

- منصور امان

زمزمه هایی که از چندی پیش مبنی بر وجود طرحهایی برای برخورد تعیین کننده با جناح "دوم خرداد" و بازپس گیری نهادهای تحت اختیار آنان، شنیده می شد، اکنون به تدریج رساتر می شود. تنها اندکی پس از آنکه آقای محمد رضا خاتمی، دبیرکل حزب مشارکت، هشدار داد که افراطیون در جناح رقیب، اداره امور را بدست گرفته و درصدد یکسره کردن کار، پیش از انتخابات مجلس آینده هستند، دو تن از کارگزاران باند ولایت، با صراحت بی سابقه ای از ضرورت کنار گذاشتن وابستگان "دوم خرداد" از مجلس، دولت و نهادهای تصمیم گیرنده سخن گفتند. حسین شریعتمداری، سردبیر و نماینده خامنه ای در روزنامه کیهان و ترقی معاون جمعیت مولفه اسلامی، به این ترتیب به آشکار کردن موضوعی پرداختند که زمینه های آن با دستگیری برخی از رهبران مشارکت و سپس به میان آوردن نام دو تن از مقامات بلند پایه دولت خاتمی در رابطه با آنچه که به "پرونده نظرسنجیها" مشهور گردیده است، تدارک دیده شده بود.

به نظر می رسد در همان هنگام که جناح "دوم خرداد" به گونه خستگی ناپذیری استراتژی "بازدارندگی فعال" و "وفاق ملی" را به مورد اجرا گذاشته بود، در سوی دیگر، کلیه پیش شرطهای کنار گذاشتن آن تحت بررسی و آزمایش بوده است. لوایح پیشنهادی آقای خاتمی، اگر چه به این فرآیند شتاب بخشید اما بی گمان دلیل بوجود آمدن آن محسوب نمی شود. تصمیم جدی برای به آرشیو سپردن پروژه اصلاحات را می توان با شکل گیری یاس از شکست تدابیر پیشین، نزد بخشی از گرایشات "دوم خرداد" ی همزمان دانست. و این هنگامی بود که واقعیت غالب در توازن قدرت سیاسی، بی اختیاری عملی دو قوه مقننه و مجریه را، با وجود نهاد فراقانونی ولایت فقیه، بی نیاز از اثبات نمود. تنها دستاورد مجلس قانونگذار، پدیدار کردن ناهمگونی فاحش در پروسه تصویب قوانین بود. چیزی که آنرا عملاً به گروگان شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت تبدیل می کرد.

شرایط در قوه مجریه، جایی که حجت الاسلام خاتمی بر مسند آن تکیه زده بود، امیدواریهای بیشتری بر نمی انگیخت. اقدامات دستگاه قضایی - که به تدریج به سطح یک هماورد جدی فرا روییده بود- به گونه فرسایش دهنده ای، امکانات دولت و رییس آن برای بهره گیری از ابزاری که بدست داشتند را به چالش می گرفت. تفاوت میان اعمال قدرت و کارپردازی امور را می بایست "اصلاح طلبان" ناکام به سختی تجربه کنند.

تلاش برای خاتمه دادن به این شرایط که با نجوای "عبور از خاتمی" و سپس "خروج از حاکمیت" در میان بخش تندروتر "دوم خرداد" آغاز گردید، می توانست تیر آغاز پایان "اصلاح طلبی" - از آن نوع که چند سال پیشتر به خوبی در چارچوب "نظام" جای می گرفت - را شلیک کرده باشد. کشیده شدن جدالهای روزمره به نقطه ی حسابرسی و پرداخت نقد تاوان هر نبرد جداگانه، آخرین وضعیتی بود که باند ولایت می توانست بدان سرسازگاری نشان دهد. با یا بدون خاتمی، گزینه های جناح خامنه ای، می بایست جای این قمار پراز ریسک را با درجه قابل قبولی از ثبات عوض کند.

آقای لاریجانی که شغل وی به عنوان مدیرکل صدا و سیما، همخوانی اندکی با مسئولیتهایی که به عهده گرفته دارد، چند روز پیش از سخنان شریعتمداری و ترقی، تشکیل یک مرکز هماهنگی برای به اجرا درآوردن طرح یک پارچه نمودن حکومت را تکذیب نمود. اما ابتکار این دو، و پس از آن به میدان آمدن چهرهای دیگر باند ولایت برای طرح مضمونهای مشابه، ادعای آقای لاریجانی که از او به عنوان یکی از اعضای مرکز یاد شده اسم برده می شود را با تردیدهای جدی روبرو می سازد. اکنون برخی از "آگاهان" امنیتی پیشین، حتی نام مرکز یاد شده را نیز می دانند: "ستاد وقوع حوادث غیرعادی!" این تیتیری ست که گویا باند ولی فقیه تحت آن خود را سازمان داده است. از یک زاویه، این نامگذاری چندان هم بی مسما نیست. «اتفاقات مهم" و "حوادث غیرعادی" را حتی یک پادوی جزء سرکوب مانند آقای ده نمکی هم مشام می کشد. پرسش تنها این است که سازنده این اتفاقات چه کسانی هستند، حل و فصل کنندگان اختلاف خانوادگی و جناحی، یا میلیونها چشم مراقب که بیش از گذشته به "حادثه ای" فراتر از جنجال در خیمه "نظام" نظرمی دوزند.